

## مدارای اجتماعی و ابعاد آن

مهدی ادیبی سده\*، یاسر رستگار\*\*، سیدصمد بهشتی\*\*\*

**مقدمه:** برقراری ارتباط با دیگران از نیازهای ذاتی و فطری انسان‌هاست و از آنجاکه انسان‌ها به‌لحاظ زبانی، قومی، نژادی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارای تفاوت‌های عمیقی هستند، تنها راه برقراری ارتباط سالم و فارغ از ستیزه‌جویی، وجود مدارای اجتماعی بین ایشان است. مطالعه حاضر با هدف ارائه تحلیلی بر وضعیت مدارا در جامعه مطالعه شده و شناسایی ابعاد و میزان آن بین ساکنان اصفهان انجام شد.

**روش:** این پژوهش مطالعه‌ای مقطعی با روش پیمایشی است. برای بررسی تحقیقات در این زمینه از روش اسنادی و برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. سطح تحلیل این پیمایش خرد و واحد تحلیل آن فرد است. جامعه آماری شامل همه افراد ۱۸ سال به بالای ساکن شهر اصفهان می‌باشد. نمونه تحقیق براساس فرمول کوکران ۲۸۵ نفر برآورد شد که به منظور افزایش دقت به ۴۰۶ نفر رسانیده شده است. نمونه‌گیری تحقیق با روش نمونه‌گیری مضاعف انجام شده است. از آزمون‌های هم‌بستگی و مقایسه میانگین‌ها برای بررسی داده‌ها استفاده شد.

**یافته‌ها:** برخی یافته‌های مهم این تحقیق حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای مستقلی همچون سن، وضعیت تأهل، درآمد، جامعه‌پذیری قومی، قوم‌مداری و سرمایه فرهنگی با متغیر وابسته مدارای اجتماعی است.

**نتایج:** ارتباط معنی‌دار و منفی بین دو متغیر قوم‌مداری یا جامعه‌پذیری قومی با مدارای اجتماعی، نشان می‌دهد که هرچه فرد تعلق بیشتری به ابعاد قومیتی خود داشته یا جامعه‌پذیری شدیدتری را تجربه کرده باشد، مدارای اجتماعی او در زمینه‌های مختلف کم‌تر است؛ اما این نتیجه در خصوص ارتباط بین مصرف رسانه یا سرمایه فرهنگی با مدارای اجتماعی به شکل مثبت و معنی‌دار به دست آمد.

**کلیدواژه‌ها:** بی‌تفاوتی، تعصب، پیش‌داوری، مدارای اجتماعی.

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۵/۱۸

\* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه اصفهان.

\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

\*\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان. <sbheshty@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

## مقدمه

همزیستی موضوعی است که همیشه و در طول تاریخ وجود داشته و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که راه‌ها و شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر بیابند. در جوامع گذشته، تنوع فرهنگ‌ها، زبان و اقوام و همچنین دیگر عناصر زندگی اجتماعی کم‌تر بود و تحمل تفاوت‌ها و عقاید یکدیگر مسئله مهمی به حساب نمی‌آمد؛ اما با رشد و گسترش فزاینده ارتباطات در همه زمینه‌ها، از سویی تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و اعتقادی بیش‌تر شده و از سوی دیگر، میزان تعاملات و برخورد افراد دوچندان شده است. بنابراین، تحمل عقاید و آداب و فرهنگ گروه‌های دیگر اهمیت فراوانی خواهد یافت. در واقع، باید گفت امروزه این تنوع تا حدی است که بدون داشتن حداقلی از مدارای اجتماعی و تحمل عقاید متفاوت و مخالف، زندگی کردن در وضعیت عادی غیرممکن خواهد شد.

با توجه به واقعیت‌های ژئوپولیتیک موجود، هم کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه، در تلاش‌هایشان برای فهم و تجربه مدارا دچار چالش‌هایی هستند. در واقع تهدیدها برای بقا که به واسطه جنگ‌ها و ترس از تروریسم، اطراف ما را احاطه کرده و اغلب در ایدئولوژی‌های بنیادگرایی<sup>۱</sup> نهفته است، توانایی ما را برای تحمل تفاوت عقیده‌ها و تمرین مدارا کاهش داده است (دلپس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴).

باید توجه داشت مادامی که افراد جامعه‌ای با یکدیگر متفاوت‌اند و اغلب دارای اعتقادات راسخی هستند، با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند و اگر قرار باشد بیش‌تر آن‌ها اهل مدارا نباشند، صلح اجتماعی<sup>۳</sup> غیرممکن خواهد شد. بنابراین، در جامعه‌ای پیچیده و در حال تغییر، مدارا کردن گریزناپذیر خواهد بود. ویلیامز بر این نظر است که اگر گروه‌های مختلف، عقاید متعارضی در زمینه اخلاقی یا سیاسی یا مذهبی داشته باشند و هیچ بدیل و جایگزینی برای زندگی در کنار هم نیابند، تساهل امری ضروری خواهد بود (ژاندرن، ۱۳۷۸).

1. fundamentalist

2. Delisle

3. social peace

در جامعه ایران نیز به دو دلیل اساسی این تنوع فرهنگی به شدت وجود دارد:

۱- به لحاظ تاریخی، ایران کشوری است که دارای اقوام، فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون بوده و همین امر، جامعه ایران را به لحاظ شناسایی الگوها و عناصر فرهنگی پیچیده ساخته است؛ ۲- کشور ما متأثر از فرایند نوسازی است و این مسئله کشور را عمیقاً تحت تأثیر خود قرار داده است؛ از جمله می‌توان گفت پدیده‌هایی همچون مهاجرت و ظهور رسانه‌ها که با شدت گرفتن فرایند نوسازی در ایران بیش‌تر شده‌اند، پراکندگی و گستردگی عقاید، رفتارها، آداب و رسوم و خلق و خوها را به همراه داشته است. از این رو، در جامعه ما نیز مدارا در همه ابعاد اجتماعی و سیاسی و اخلاقی خود، واجد اهمیت فراوانی می‌شود.

مقاله حاضر نیز در پی آن است تا تحلیلی بر وضعیت مدارا در جامعه مطالعه شده (شهر اصفهان) ارائه داده و ابعاد و میزان آن را شناسایی کند.

مانند بسیاری از مفاهیم جامعه‌شناختی در زبان فارسی، دایره مفهومی مدارای اجتماعی نیز به دقت تعیین نشده است و محققان و اندیشمندان ایرانی، در مقابل واژه Tolerance از واژه‌های هم‌معنی مانند تحمل اجتماعی، بردباری اجتماعی، تساهل اجتماعی و شکیبایی استفاده می‌کنند که لزوماً معنای یکسانی ندارند. باین وجود، برخی تعاریفی که در این زمینه ارائه شده‌اند، عبارت است از:

۱- مدارا<sup>۱</sup> به‌عنوان عمل آگاهانه<sup>۲</sup> فرد یا سازمانی در نظر گرفته می‌شود در خودداری از مخالفت و سرزنش یا خشمونت علیه اعتقادات دیگری، به‌رغم مخالفت شخص با آن اعتقادات (تامپسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). مدارا اساساً شکلی از خودداری (خودکنترلی<sup>۴</sup>) است. مدارا، پرهیز از بدی<sup>۵</sup> است (وگت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). مدارا به‌معنای به‌رسمیت شناختن دیگری است (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰). گیبسون<sup>۷</sup>، مدارا را درجه‌ای از میل به توسعه حقوق شهروندی برای کسانی می‌داند که ایده‌هایشان تا حدی با جریان اصلی تفکر سیاسی در یک کشور متفاوت است (گیبسون، ۲۰۰۵).

1. tolerance  
4. self-restraint

2. deliberate act  
5. negative virtue

3. Thompson  
6. Vogt  
7. Gibson

باید اضافه کرد که مدارا به شیوه‌های متفاوتی مفهوم‌پردازی می‌شود؛ از جمله ستایش تمایز<sup>۱</sup> و نداشتن تعصب<sup>۲</sup> و بردباری در برابر کسی که با موضوعی مخالفت می‌کند یا به چیزی تعصب دارد (رابینسون<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۱). بشیریه نیز بر این اعتقاد است که تساهل با بی‌تفاوتی<sup>۴</sup> متفاوت است؛ تساهل مبتنی بر نوعی خودداری است. در واقع در تساهل باید میل اصلی به مخالفت و مقاومت وجود داشته باشد، اما سرکوب شود؛ درحالی‌که در بی‌تفاوتی، میل اولیه به مخالفت وجود ندارد (بشیریه، ۱۳۷۹).

واژه‌های تساهل، تحمل، تسامح، رواداری و مدارا که در ادبیات امروز، برابرنهاد واژه Toleration به کار می‌رود، دارای تفاوت‌های معنایی است؛ اما اشتراک معنایی این واژگان در این کاربرد خاص سبب شده است تا چندان به این تفاوت‌ها توجه نشود. واژه Toleration از ریشه لاتینی Tolero به معنای تحمل کردن و اجازه دادن و ابقا کردن است. این واژه با مصدر Tollo به معنای حمل کردن و اجازه دادن هم‌خانواده است؛ گویی کسی که تساهل می‌ورزد، باری را تحمل یا حمل می‌کند (فتحعلی، ۱۳۷۸).

از نظر منداس، تساهل در وضعیتی پدید می‌آید که تفاوت میان افراد وجود دارد و مردم از این تفاوت‌ها آگاه‌اند. تساهل، یعنی آزاد گذاشتن دیگران یا خودداری از آزار آن‌ها، خواه از طریق قانون یا از طریق آنچه جان استوارت میل، استبداد افکار عمومی می‌نامد. در واقع، تساهل در جایی معنی دارد که شخص، قدرت مداخله و جلوگیری از آن کار یا اندیشه را داشته باشد، ولی اقدامی نکند (منداس<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷).

در مجموع می‌توان مدارا و تساهل و تسامح را با مؤلفه‌هایی چون وجود تنوع و اختلاف، ناخشنودی و نارضایتی، وجود آگاهی و قصد، احترام، توافق، وجود قدرت و توانایی مداخله و درنهایت، کنترل خویشتن و مهار خویش در مداخله و مقاومت ملازم همراه دانست.

1. celebrating of difference    2. absence of prejudice    3. Robinson    4. apathetic    5. Mendus

پیشینه تحقیق در ایران: به‌رغم اهمیت بسیار زیادی که مدارای اجتماعی دارد، در این زمینه تحقیقات زیادی در ایران انجام نشده است. برخی از تحقیقات در بررسی این مفهوم عبارت است از:

جهانگیری و افراسیابی (۱۳۹۰) مدارا را به‌معنای به‌رسمیت شناختن دیگری دانسته و عوامل مؤثر و پیامدهای مدارا را در خانواده‌های شهر شیراز سنجیده‌اند. ایشان متغیرهایی مثل امکانات زندگی، تحصیلات، استفاده از رسانه و روابط خانوادگی را متغیرهای اثرگذار بر مدارا در فضای خانواده تحلیل کردند و مسائلی مانند انحرافات، دروغ و ترک خانواده را از جمله پیامدهای مدارا نکردن مورد مذاقه قرار دادند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد متغیرهای تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌ها، امکانات زندگی، درآمد خانواده، روابط اجتماعی و فعالیت‌های مدنی اعضای خانواده، دارای رابطه معنی‌داری با میزان حاکمیت مدارا در فضای خانواده‌هاست.

شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به تحلیل ارتباط بین سرمایه اجتماعی و انواع مدارا پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق گویای این است که متغیر اعتماد نهادی با تمامی ابعاد مدارا رابطه منفی و معنی‌دار داشته است. همچنین، بین مشارکت در شبکه‌های رسمی و غیررسمی با مدارا رابطه مثبت و معنی‌داری بوده است.

شارع‌پور و عسکری (۱۳۸۸) در مقاله دیگری به گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن پرداخته‌اند و براساس تقسیم‌بندی وگت به بررسی سه نوع مدارای اجتماعی و سیاسی و اخلاقی رفتاری پرداخته‌اند. از نتایج مهم این تحقیق، رابطه مثبت و معنی‌دار میان تحصیلات پاسخ‌گویان و میزان مدارای اجتماعی است. بدین ترتیب که با افزایش مقطع تحصیلی افراد میزان مدارای آن‌ها در زمینه‌های مختلف نیز افزایش پیدا کرده است.

**مبانی نظری:** مدارا در جامعه‌ی معاصر، به‌عنوان یک ویژگی، فضیلت<sup>۱</sup> سیاسی در جهان پست‌مدرن و پست‌سکولار شناخته می‌شود (کنیرز، ۲۰۰۱). مدارا، نوعی توانایی و تعهد به شناخت، احترام، مشارکت کردن، گفت‌وگو و توافق با کسانی است که متفاوت هستند و این به‌عنوان نیرویی سیاسی اجتماعی شناخته می‌شود (دلیس، ۲۰۰۴).

- انواع تساهل از نظر پیتر کینگ: تساهل برحسب موضوع از نظر کینگ چهار نوع است:
- ۱- تساهل عقیدتی، یعنی تساهل در برابر وجود یا بیان یا تبلیغ عقایدی مخالف با عقاید عامل تساهل؛
  - ۲- تساهل سازمانی که یک مرحله پیشرفته‌تر از تساهل عقیدتی است و به معنی شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مخالف عقاید عامل تساهل است؛
  - ۳- تساهل هویتی، یعنی اعمال تساهل در برابر ویژگی‌هایی که اختیاری نیست، مانند ملیت، جنس، نژاد، طبقه، فرهنگ و دارندگان آن ویژگی‌ها؛
  - ۴- تساهل رفتاری مثل تساهل در برابر شیوه لباس پوشیدن یا روابط اجتماعی (بشپریه، ۱۳۷۹).
- عامل تساهل ممکن است فرد، گروه اجتماعی، فرقه مذهبی یا خود حکومت باشد. به هر حال عامل تساهل باید نسبت به موضوع تساهلی تا اندازه‌ای از قدرتی بیش‌تر برخوردار باشد تا بتواند نسبت به فرد یا گروه یا فرقه مخالف، نه تحمل بلکه تساهل داشته باشد (همان، ۷۲).
- انواع دیگری از تساهل را هم می‌توان تمیز داد که از این قرار هستند:
- تساهل اخلاقی:** تساهل اخلاقی در معنای غربی آن عبارت است از عدم دخالت و جلوگیری از باورها و رفتارهای اخلاقی افراد و گروه‌های مختلف و محترم دانستن این باورها و رفتارها. مبنای اصلی تساهل اخلاقی، نسبی‌گرایی اخلاقی است (فتحعلی، ۱۳۷۸).
- تساهل دینی:** سهل‌گیری و تحمل و محترم دانستن عقاید و رفتارها و مناسک دینی سایر افراد و گروه‌ها به‌ویژه باورها و رفتارهای دین مخالف را گویند.
- تساهل سیاسی:** تساهل سیاسی در اصل به روش و منش دولت و حکومت باز می‌گردد و بیان‌کننده آن است که حکومت باید نسبت به گروه‌ها و افراد مخالف مدارا کند و به دیدگاه آن‌ها احترام گذارد (فتحعلی، ۱۳۷۸).
- مدارا و دموکراسی:** در ادبیات پژوهش، مباحث متنوعی در خصوص ارتباط مدارا و سیاست مطرح شده است و در این میان، درباره پیوند میان مدارا و دموکراسی به‌طور ویژه‌ای بحث شده است.

مدارا برای گروه‌های دیگر<sup>۱</sup>، عنصری ضروری برای فرهنگ دموکراتیک و شهروندی اروپایی است (کوایتلیر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). گیسون مدارا را در این جمله ساده به کار می‌برد: اگر مدارای سیاسی افزایش یابد، احتمال موفقیت دموکراسی افزایش می‌یابد (گیسون، ۲۰۰۶). برخی نیز چون شاتز (۲۰۰۴) مدارای اجتماعی را عنصری اساسی در شکل‌گیری دموکراسی دانسته و به عنوان مفهومی کلیدی در توسعه سیاست‌های اجتماعی به کار می‌برد (چاتز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

مدارای سیاسی<sup>۴</sup> یا تمایل به واگذاری حقوق سیاسی به گروه‌های منفور، از ارزش‌های اساسی دموکراتیک است که به دموکراسی‌های موفق و سالم نسبت داده می‌شود (پایت<sup>۵</sup> و پاکستون<sup>۶</sup>، ۸۹). مدارای سیاسی متضمن به‌کارگیری اصول دموکراسی، یعنی حمایت از حقوق مدنی، حقوق اقلیت<sup>۷</sup> و... و به‌کارگیری آن‌ها در عمل، در برابر گروه‌های منفور است. دموکراسی‌های سالم نیازمند شهروندانی هستند که در برابر دیدگاه‌ها و مشارکت سیاسی دیگران مدارا داشته باشند، حتی اگر نظرهایشان مخالف با آن‌ها باشد یا احساس کنند که با مشارکت آن‌ها تهدید می‌شوند (آلموند<sup>۸</sup> و وربا<sup>۹</sup>، ۱۹۶۳).

مدارا به‌ویژه برای دموکراسی‌های غیریکپارچه<sup>۱۰</sup> حائز اهمیت است. این اهمیت در جایی بیش‌تر است که مدارا نکردن ممکن است باعث ایجاد بی‌ثباتی شود، به دلیل این‌که برخی از گروه‌ها در برابر واگذاری قدرت<sup>۱۱</sup> به رقیبان مقاومت کرده و سعی می‌کنند محدودیت‌هایی برای آزادی‌های مدنی ایجاد کنند (پرتی<sup>۱۲</sup> و گایرین<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۴). مدارا شاخصی بنیادین برای صلح و مدنیت و تمرین اصول دموکراتیک به حساب می‌آید (مورنوریانو<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۳). مدارا در مقایسه با اعتقادات و اعمال مخالف، شرط کلیدی‌تری برای شهروندی و دموکراسی است (شولیان و ترانسو<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۹).

1. other groups	2. Quintelier	3. Schatz	4. political tolerance
5. Pyatt	6. Paxton	7. minority rights	8. Almond
9. Verba	10. unconsolidated democracies	11. ceding power	
12. perty	13. Guerin	14. Moreno-Riano	15. Sullivan
			16. Transue

ممکن است مردم نگرش‌های متعصبانه یا عقاید قالبی داشته باشند؛ اما برای بهبود عملکرد دموکراسی باید حداقل بپذیرند که اعضای گروه مخالف برای مثال سخنرانی عمومی<sup>۱</sup> داشته باشند یا اجتماع عمومی<sup>۲</sup> برگزار کنند. مفهوم مدارا در تاریخ از تلاش‌ها برای رسیدگی به اثرهای سخت و گزنده تعارضات دینی آغاز گشت (ورکویتن<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۰).

برخی در تحقیق درباره مدارای سیاسی، به نقش ویژگی‌های شخصیتی از قبیل دگماتیسم و ناامنی و هواخواهی سنت اشاره کرده‌اند (وود<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵؛ وگت، ۱۹۹۷). علاوه بر آن، برخی نیز بر مهارت سیاسی<sup>۵</sup> و مشارکت سیاسی و تعهد به ارزش‌های دموکراتیک به‌عنوان شاخص‌های مدارا تأکید کرده‌اند (سولیوان و ترانسو، ۱۹۹۹).

مدارا نکردن: داش و گیسون مدارا نکردن را به تمایل برای محدود کردن حقوق دموکراتیک یک گروه منفور که مبتنی بر محتوای نظر شخصی باشد، تعریف کرده‌اند (۱۹۹۲). بیش‌تر پژوهش‌ها در باب مدارا نکردن بر سه عامل تأکید دارند: عقاید قالبی<sup>۶</sup> و تعصب<sup>۷</sup> و نژادگرایی.

عقاید قالبی شکلی از مقوله‌بندی اجتماعی<sup>۸</sup> است که پیچیدگی جهان اجتماعی را تقلیل داده و ساده‌سازی می‌کند (براون<sup>۹</sup>، ۱۹۹۵) و باعث سوگیری در انتخاب و تفسیر و نگهداری اطلاعات اجتماعی می‌شود.

تعصب، نوعی نگرش است که به‌همراه ابعاد اعتقادی و رفتاری و عاطفی خاص آن فهمیده می‌شود. البته تمایزات میان تعصب و نژادپرستی کمی مبهم است؛ اما از تفاوت‌های مهم میان این دو مفهوم این است که نژادپرستی، علاوه بر نگرش متعصبانه، با نوعی قدرت تمایزبخش<sup>۱۰</sup> نیز همراه است. همچنین تمایز دیگر میان این دو مفهوم این است که تعصب، فقط در تحلیل فردی کاربرد دارد؛ درحالی‌که نژادپرستی در زمینه‌های متعددی (فردی، جمعی و نهادی) به کار رود.

1. public speech    2. public rallies    3. Verkuyten    4. Wood    5. political expertise  
6. stereotypes    7. prejudice    8. social categorization    9. Brown    10. differential



تلاش‌هایی برای افزایش مدارای بین‌گروهی<sup>۱</sup> و هم‌بستگی از سوی روان‌شناسان اجتماعی و نظریه‌های تعصب انجام شده است (کریستی<sup>۲</sup> و داووز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱).

**رابطه مدارا با آموزش و تحصیلات:** برخی نظریه‌پردازان بر این نظرند که مدارای سیاسی با آموزش پیوند می‌یابد و امری یادگرفتنی است؛ چراکه مدارا مفهومی پیچیده و شناختی است. آن‌ها معتقدند از طریق افزایش ارتباطات با گروه‌ها و نهادهای مختلف می‌توان مدارا در ابعاد مختلف را افزایش داد (سولیوان و مارکوس، ۱۹۸۱). افراد دارای تحصیلات عالیه، مدارای بیش‌تری دارند. و وگت معتقد است تقریباً همه شواهد حاکی از این حقیقت است. برعکس، افرادی که تحصیلات رسمی کم‌تری دارند، در زمینه‌های متعدد، مدارای کم‌تری از خود نشان داده‌اند. او معتقد است بین تحصیلات عالی با تمایل به مدارای اجتماعی و بین تحصیلات کم و مدارا نکردن در بین افراد ارتباط وجود دارد (وت، ۲۰۰۲).

**ویژگی‌های اهل مدارا:** اهل مدارا بودن<sup>۴</sup>، متضمن بردباری در برابر اعتقادات یا رفتارها و ویژگی‌هایی است که شما دوست ندارید و با آن‌ها مخالف هستید. در واقع، موقعی است که مجبور به تحمل نباشید و به‌طور بالقوه قدرت مدارا نکردن را داشته باشید. ویژگی دوم مهم‌تر است؛ برای مثال، اگر شما بخواهید شخصی را آزار دهید، اما از پیامدهای قانونی آن هراس داشته باشید، شکیبایی<sup>۵</sup> شما به‌سختی به‌عنوان مدارا ارزیابی خواهد شد. همچنین، وقتی تمایز و تنوعی وجود نداشته باشد، مدارا ارزشی به‌حساب نمی‌آید و حتی ممکن است منفی ارزیابی شود (وت، ۲۰۰۲).

مدارا یا مدارای اجتماعی به‌عنوان عبارت، تقاضاهای هریک از اعضای جامعه برای برخورد خوب<sup>۶</sup> با دیگر اعضای جامعه در محیط‌های اجتماعی و عمومی است که با پذیرش تفاوت‌های هر شخصی که در جامعه زندگی می‌کند، شکل می‌گیرد. مدارای اجتماعی نیازمند این است که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش گام بردارند؛ بدون ترس فیزیکی یا حمله هیجانی یا خشونت (چاتز، ۲۰۰۴).

1. intergroup tolerance 2. Christie 3. Dawes 4. being tolerant 5. forbearance 6. civility

## نظریه‌های مدارا

نظریه آلپورت: از زمان جنگ دوم جهانی، توجه به موضوع مدارا ذهن برخی اندیشمندان را به خود معطوف کرد. در این میان، روان‌شناسان پیش‌گام بودند و اغلب آن‌ها بر متغیرهای فردی تأکید کرده‌اند. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، سه نظریه گسترده و کلان و یک تبیین علی درباره مدارا ارائه داده‌اند که عبارت است از:

۱- نظریه «شخصیت اقتدارطلب»<sup>۱</sup> آدورنو و همکاران در سال ۱۹۵۰؛

۲- فرضیه «برخورد» آلپورت<sup>۲</sup> در سال ۱۹۵۸؛

۳- نظریه «هویت اجتماعی» تاجفل و ترنر در سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۰۲.

فرضیه آلپورت (۱۹۵۸) بیان می‌کند در وضعیتی خاص، برخورد با اشخاص برون گروه، مدارا را در برابر افراد این گروه‌ها افزایش می‌دهد. از عواملی که به افزایش مدارا منجر می‌شود نیز عبارت است از ارزیابی مثبت از این برخوردها به وسیله نهادها مثل مدارس و شرکت‌ها یا به وسیله دولت (کوایتلیر، ۲۰۰۸).

نظریه تضاد گروهی واقع‌گرایانه<sup>۳</sup>، وابستگی متقابل منفی را منبعی برای تعصب در نظر می‌گیرد؛ درحالی‌که فرضیه برخورد<sup>۴</sup> معتقد است وابستگی متقابل مثبت، ممکن است روابط را بهبود بخشد. آلپورت (۱۹۵۴) برای اولین بار نظریه برخورد را مطرح و به شرایط مورد نیاز برای توسعه روابط بین‌گروهی مثبت اشاره کرد.

شرایطی که آلپورت مطرح می‌کند، شامل این گزینه‌هاست:

۱- وابستگی متقابل همراه با همکاری و مشارکت در کل گروه‌ها؛

۲- جایگاه برابر بین اعضای گروه اقلیت و گروه اکثریت در تعقیب اهداف مشترک‌شان؛

۳- حمایت نهادها و مسئولان از روابط بین‌گروهی؛

۴- ایجاد فرصت برای اعضای همه گروه‌ها تا به‌عنوان افراد، با یکدیگر کنش متقابل داشته

1. authoritarian personality 2. Allport 3. realistic group conflict 4. contact hypothesis

باشند (کریستی و داو، ۲۰۰۱).

**نظریه موتز:** موتز<sup>۱</sup> نیز مانند آلپورت نشان داده است ارائه بین‌فرهنگی<sup>۲</sup> اندیشه‌های مختلف، به مدارای بیش‌تر افراد در کشورها منجر می‌شود؛ چراکه با افزایش برخوردها و ارتباطات افراد از فرهنگ‌های مختلف، نگاه مثبت آن‌ها به فرهنگ‌های متفاوت کشورهای دیگر افزایش می‌یابد. مدارای اجتماعی به ارزیابی مستقیم برخورد با افرادی از گروه‌های دیگر مربوط می‌شود؛ مثلاً داشتن رئیسی از گروه قومی دیگر. رفتار افراد در این موقعیت، میزان مدارا را نشان می‌دهد (موتز، ۲۰۰۲).

**فقر و مدارا:** نظریه محرومیت نسبی<sup>۳</sup> به این موضوع اشاره دارد که کاهش شکاف میان فقیر و غنی در جوامع، مدارا نکردن را به‌طوری پذیرفتنی حل می‌کند. این نظریه با ارائه شواهدی، نشان می‌دهد کشورهای با کم‌ترین شکاف میان غنی و فقیر، کم‌ترین میزان جرم و جنایت و بهترین وضعیت سلامت اجتماعی و روانی را داشته‌اند (ویلکینسون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶).

**نظریه آندرو فایالا:** آندرو فایالا (۲۰۰۵) در فصل دوم کتابش، «مدارا و زندگی اخلاقی»<sup>۵</sup>، مدارا را نیازمند فهم پیچیده‌ای از خود و تعهدات اخلاقی آن می‌داند. این واژه انگلیسی، به تعبیر او از واژه لاتینی *tolerantia* مشتق شده است که به معنای عمومی تحمل کردن و رنج بردن و بردباری است. مدارا عموماً به‌عنوان واژه‌ای به‌کار می‌رود که فضیلت یا ویژگی یا تمایل به انجام اعمال بردبارانه را توصیف کند. هنگامی که در زبان معمولی روزمره می‌گوییم فلانی هنگام درد مدارای زیادی دارد، بدین معنی است که او توانایی تحمل درد را دارد. اتفاقی نیست که واژه مدارا را در رابطه با درد به‌کار می‌بریم؛ چراکه مدارا به‌مثابه آرمانی اخلاقی<sup>۶</sup>، مستقیم به چیزهای منفی مربوط می‌شود. با این ریشه‌شناسی<sup>۷</sup> می‌توانیم به تعریفی کلی از مدارا دست یابیم که دربردارنده سه شرط به‌هم مرتبط است. بنابراین، وقتی من با چیزی مدارا می‌کنم:

1. Mutz      2. cross-cultural      3. relative deprivation      4. Wilkinson  
5. tolerance and the ethical life      6. moral ideal      7. etymology

- ۱- قضاوت و برداشتی منفی درباره آن دارم (آن چیز ممکن است شخص یا اعمال یا نگرش‌ها و عادت‌های او باشد)؛
- ۲- می‌توانم آن را خشتی و بی‌اثر کنم؛
- ۳- می‌توانم عمداً از خشتی‌سازی<sup>۱</sup> آن خودداری کنم.

شرط اول، نیازمند برداشتی منفی است. البته قضاوت منفی درباره مدارا کاملاً نامطلوب نیست؛ بلکه قضاوت و برداشت منفی در اینجا حد وسط بین موضوع مطلوب تا کاملاً نامطلوب است. این برداشت چه‌بسا جایی در یک پیوستار، از منفی‌ترین تا مثبت‌ترین شکل آن باشد. واژه قضاوت در اینجا در معنای وسیع‌تری به کار می‌رود که شامل واکنش‌های احساسی<sup>۲</sup> نیز می‌شود. به‌طور کلی، قضاوت بین چیزها تمایز ایجاد کرده و اثر تحریک کننده دارد. اگر قضاوت کاملاً مطلوب باشد، نیازی به مدارا مطرح نمی‌شود؛ همچنین اگر برداشت کاملاً نامطلوب باشد و آن چیز را محکوم کنیم، مدارا ناممکن خواهد شد. عموماً برداشت منفی، به انجام کنش منفی متمایل است؛ اما نکته اینجاست مدارا هنگامی رخ می‌دهد که در برابر نتایج منفی همان برداشت منفی مقاومت کرده و به‌رغم داشتن قضاوت منفی، کنش منفی و نامطلوب سر نمی‌زند. شرط دوم بیان می‌کند که فرد قدرت بیان موضع منفی خود را در مقابل محتوای سؤال دارد. واژه خشتی کردن را در معنای گسترده‌ای به کار می‌برد که شامل تنوعی از واکنش‌های منفی، از کناره‌گیری گرفته تا تخریب شدید می‌شود. شرط سوم بیان می‌کند که فرد آگاهانه از اعمال قدرت برای خشتی کردن آن چیز خودداری می‌کند. این مهم است که فرد قدرت دارد. فردی که اهل مدارا نیست. اگر با چیزی که از آن بیزار بوده همراهی و موافقت کند، به دلیل این است که یا به آن کار مجبور شده یا ترسو است. به‌عکس، هنگامی فرد اهل مدارا است که به چیزی که از آن نفرت دارد، بی‌اعتنا نباشد؛ اگرچه قدرت آن را داشته باشد. در عوض آن را تحمل می‌کند و

1. negating

2. emotional responses

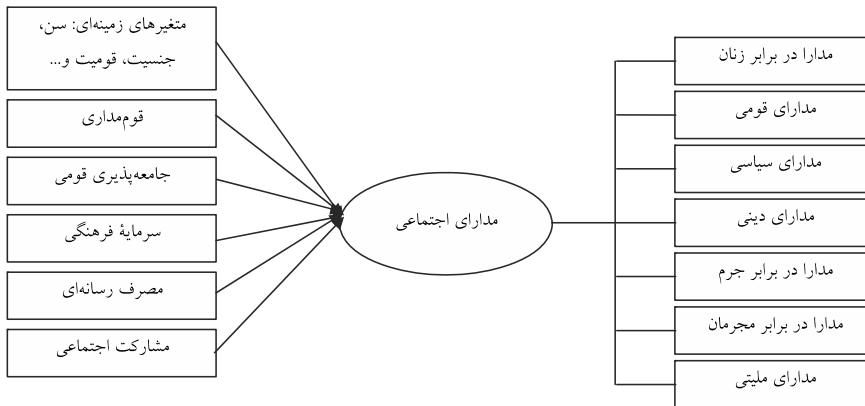
بردباری به خرج می‌دهد. نهایت این که، خودداری کاملاً آگاهانه<sup>۱</sup> است: از بی‌تفاوتی به آن چیز خودداری می‌کند چراکه دلیلی برای آن نمی‌بیند (فیالیا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

**نظر والزر:** مدارا همچون نگرش، شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد و مدارا کردن همچون عمل به روش‌های گوناگونی سامان می‌گیرد. والزر معتقد است مدارا حتی در اکراه‌آمیزترین شکل‌های آن و بی‌ثبات‌ترین سامان‌های آن نیز بسیار مطلوب است. وی مدارا را همزیستی گروه‌های مختلف مردم با تاریخ و فرهنگ و هویت‌های گوناگون تعریف می‌کند و در کتاب خود، در باب مدارا، ذکر می‌کند که در گفتارهای عادی، اغلب مدارا را متضمن نابرابری می‌دانند که در آن گروه‌ها و افراد در موقعیت پست‌تر محل مدارا قرار می‌گیرند (والزر، ۸۳). وی در بحث از مقولات عملی مدارا، این مفهوم را با چندین مقوله اصلی و عملی ارتباط می‌دهد که عبارت است از: قدرت، طبقه، جنسیت، دین و آموزش (والزر، ۱۳۸۳).

هید در مقدمه کتاب خود، تساهل، اشاره می‌کند که این مقوله، مفهوم فلسفی مبهمی است و براساس افکار لیبرالیستی سه قرن اخیر، ارزش بنیادین اخلاقی و سیاسی مطلوب به‌شمار می‌رود. امروزه نیز در مطالبات سیاسی و حقوقی معاصر جایگاه والایی دارد. ابهام موجود در مفهوم تساهل از دو جهت مخالف ناشی می‌شود: مطلق‌گرایی و کثرت‌گرایی (۱۳۸۳). آغاز فرایند تساهل ارتباط زیادی با جنگ مذهب و کنترل طرز تلقی‌ها دربارهٔ پیروان مذاهب دیگر دارد (همان، ۱۵).

1. deliberate

2. Fialia



شکل ۱. مدل نظری تحقیق.

## روش

روش انجام این تحقیق پیمایش<sup>۱</sup> و از نظر زمانی مطالعه‌ای مقطعی<sup>۲</sup> است. جامعه آماری این تحقیق همه ساکنان بیش از ۱۸ سال شهر اصفهان بود. دلیل انتخاب این شهر به عنوان جامعه آماری، سطح بالای مهاجرپذیری این شهر مانند مادرشهر بود. از آنجاکه مهاجرپذیری باعث نزدیک شدن مکانی و فضایی افراد با ویژگی‌های مختلف است، فرصت بیشتری برای برخورد و تضارب افکار و عقاید ایجاد کرده و عرصه را برای بررسی متغیر مدارای اجتماعی بیش‌تر فراهم می‌کند. جمعیت مناطق شهری اصفهان، در سال ۱۳۸۵ برابر با ۱،۹۸۶،۵۴۲ نفر بوده است. از این تعداد ۱،۲۹۶،۹۱۳ نفر بیش از ۱۸ سال داشته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران، حجم نمونه این تحقیق ۳۸۴ نفر به‌دست آمد؛ اما برای کسب اطمینان تعداد نمونه به ۴۰۶ نفر رسانده شد. در مرحله بعد، متناسب با جمعیت هر منطقه تعداد جمعیت نمونه مشخص شده و درنهایت، به‌روش تصادفی ساده نمونه‌ها تعیین و با آن‌ها مصاحبه انجام گرفت.

1. survey

2. cross sectional

برای بررسی ادبیات نظری موضوع و تحقیقات در این زمینه، از روش اسنادی و برای گردآوری داده‌ها با همکاری دانشجویان مجرب رشته علوم اجتماعی از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. سطح تحلیل این پیمایش خرد و واحد تحلیل فرد است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و استنباطی از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. در سطح توصیفی، بیش‌تر از نمودارها و جداول فراوانی نسبی و در سطح استنباطی از هم‌بستگی‌ها و آزمون‌های آماری مناسب نظیر آزمون تی استفاده شده است. اعتبار سؤالات پرسش‌نامه از طریق اعتبار صوری کسب شده است. برای حصول اطمینان از روایی<sup>۱</sup> پرسش‌نامه، در آزمونی مقدماتی، ۴۰ نفر به‌عنوان نمونه از جامعه آماری انتخاب شدند تا نواقص احتمالی سؤالات پرسش‌نامه رفع شود.

در پرسش‌نامه مقدماتی، جدای از متغیرهای زمینه‌ای، ۱۰۳ گویه برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته طرح شده بود. پس از تکمیل پرسش‌نامه، با توجه به ضرایب آلفای کرونباخ، گویه‌هایی که از ضریب هم‌بستگی کمی برخوردار بودند، حذف شدند. به این صورت، میزان آلفای متغیرها به بیش‌ترین حد ممکن رسانده شد. از بین گویه‌های مربوط به متغیر مستقل، در مجموع ۱۳ گویه حذف شدند. با توجه به روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات و با جرح و تعدیل‌هایی که در پرسش‌نامه مقدماتی انجام دادیم، در نهایت پرسش‌نامه‌ای متشکل از ۹۰ گویه و سؤال به صورت سؤالات بسته پاسخ در سطوح مقیاس‌های اسمی و رتبه‌ای و فاصله‌ای مطرح شد تا بر مبنای آن اطلاعات مورد نیاز خود را برای آزمون فرضیه‌ها به دست آوریم.

متغیرهای مستقل تحقیق شامل متغیرهای زمینه‌ای نظیر سن، جنسیت، وضعیت تأهل، سطح درآمد، تحصیلات، طبقه اقتصادی اجتماعی، قومیت و همچنین متغیرهای جامعه‌شناختی عینی و ذهنی نظیر قوم‌مداری، جامعه‌پذیری قومی، سرمایه فرهنگی، مصرف رسانه‌ای و مشارکت اجتماعی بود. متغیر وابسته تحقیق مدارای اجتماعی است که مقوله‌ای بسیار وسیع و دارای ابعاد

---

1. validity

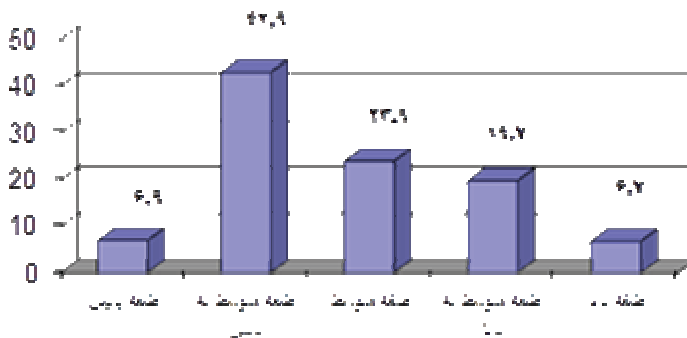
متعدد ذهنی و عینی است. در این تحقیق براساس نظریه‌های مختلف، ابعاد ذیل برای این متغیر در نظر گرفته شده و با گویه‌های مناسب اندازه‌گیری شده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. ابعاد متغیر مدارای اجتماعی (متغیر وابسته)

ردیف	بعد	تعداد گویه	میزان آلفا
۱	مدارا در برابر زنان	۵	۰/۷۴۹
۲	مدارای قومی	۳	۰/۷۳۵
۳	مدارای سیاسی	۶	۰/۷۳۵
۴	مدارای دینی	۵	۰/۷۶۷
۵	مدارا در برابر جرم	۹	۰/۷۶۰
۶	مدارا در برابر مجرمان	۳	۰/۷۴۱
۷	مدارای ملیتی	۳	۰/۷۲۶

### یافته‌ها

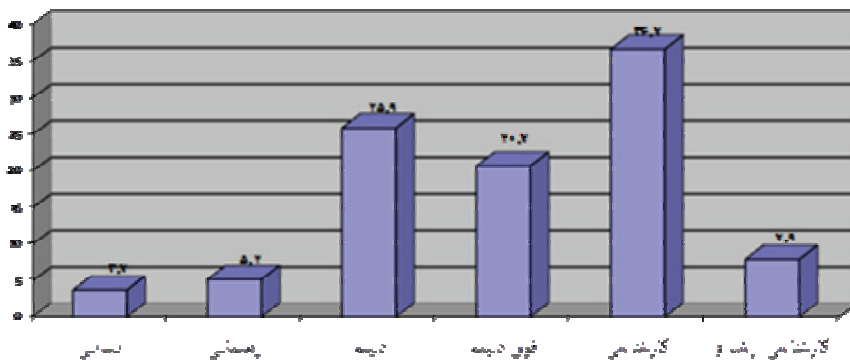
شرکت کنندگان در دامنه سنی ۱۸ تا ۸۰ سال قرار دارند و به لحاظ جنسیتی، از ۶۴ درصد مرد و ۳۶ درصد زن تشکیل شده است. براساس معیارهای متنوعی که در پرسش‌نامه در نظر گرفته شده بود، می‌توان نمونه حاضر را به لحاظ طبقه اقتصادی اجتماعی چنین توصیف کرد:



نمودار ۱. توزیع فراوانی نسبی طبقه اقتصادی اجتماعی نمونه تحقیق.

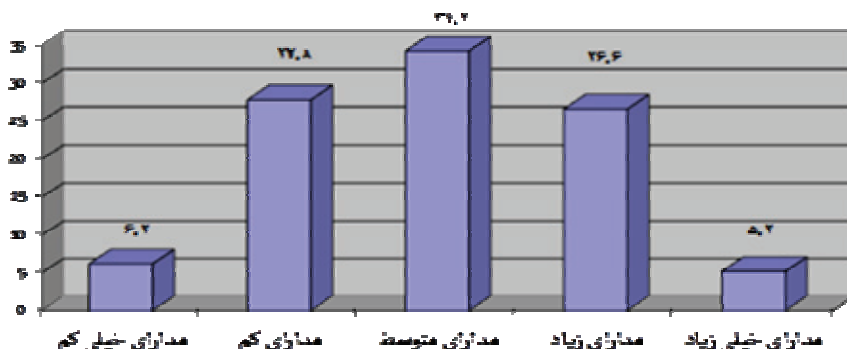


از نظر سطح تحصیلات، دارندگان مدرک کارشناسی بیشترین فراوانی را دارند. این مطلب حاکی از افزایش میزان تحصیلات رسمی در شهر اصفهان است (نمودار ۲).



نمودار ۲. توزیع فراوانی سطح تحصیلات

به لحاظ متغیر مدارای اجتماعی توزیع، مدارای پاسخ‌گویان بسیار نزدیک به توزیع نرمال است (نمودار ۳).



نمودار ۳. توزیع فراوانی سطح مدارای اجتماعی در بین اعضای نمونه

برای تشخیص تفاوت بین جنسیت و مدارای اجتماعی، به بررسی تفاوت میانگین‌های دو گروه جنسی پرداخته شد. نتیجه آزمون تی که در جدول زیر گزارش شده است نشان می‌دهد که به لحاظ میزان مدارای اجتماعی بین دو گروه مرد و زن تفاوتی وجود ندارد و جنسیت بر مدارای اجتماعی اثرگذار نیست.

جدول ۲. آزمون تی رابطه بین جنسیت و مدارای اجتماعی.

مقدار $p$	مقدار تی	درجه آزادی	میانگین	تعداد	مدارای اجتماعی جنسیت	
					جنسیت	
۰/۰۷۷۵	-۰/۵۵۸	۴۰۴	۱۰۶/۲۵	۲۵۹	مرد	
			۱۰۷	۱۴۷	زن	

برای بررسی رابطه سن و مدارای اجتماعی از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد و نتیجه حاکی از وجود رابطه منفی بین این دو متغیر بود؛ یعنی با افزایش سن، میزان مدارای اجتماعی کم‌تر می‌شود.

جدول ۳. رابطه بین سن و مدارای اجتماعی

حجم نمونه	سطح معنی‌داری	سن	ضریب هم‌بستگی پیرسون
۴۰۰	۰/۰۲۴	-۰/۱۱۳	مدارای اجتماعی

همچنین مقایسه میانگین گروه‌های سنی مختلف نشان می‌دهد که گروه سنی کم‌تر از سی سال، به لحاظ مدارای اجتماعی تفاوت معنی‌داری با سایر گروه‌های سنی دارند و نمرات بیش‌تری را به خود اختصاص داده‌اند.

نتیجه آزمون هم‌بستگی پیرسون بین دو متغیر قوم‌مداری و مدارای قومی، نشان دهنده وجود رابطه منفی بین این دو متغیر بود. به این معنا که هرچه فرد قوم‌مدارتر بوده و تعصب قومی بیش‌تری داشته باشد، مدارای اجتماعی کم‌تری دارد. نتیجه آزمون هم‌بستگی پیرسون بین دو متغیر قوم‌مداری و مدارای قومی، نشان دهنده وجود رابطه منفی بین این دو متغیر است؛ بنابراین، فرضیه تحقیق با اطمینان ۰/۹۹ پذیرفته می‌شود. منفی بودن رابطه این دو متغیر به این معناست که هرچه فرد جامعه‌پذیری قومی شدیدتری را تجربه کرده باشد،

مدارای اجتماعی کم‌تری دارد. بین مصرف رسانه‌ای و مدارای اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد؛ یعنی استفاده هرچه بیش‌تر از رسانه‌ها با مدارای اجتماعی همراه است. بین میزان سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد؛ یعنی داشتن سرمایه فرهنگی بیش‌تر، با مدارای اجتماعی بیش‌تر فرد همراه است (جدول ۴).

جدول ۴. رابطه بین سن، قوم‌مداری، جامعه‌پذیری قومی، مصرف رسانه‌ای و سرمایه فرهنگی با مدارای اجتماعی.

ضریب هم‌بستگی پیرسون سن	مدارای اجتماعی	مقدار p	حجم نمونه
-۰/۱۱۳	مدارای اجتماعی	۰/۰۲۴	۴۰۰
-۰/۲۹۱	قوم‌مداری - هویت قومی	۰/۰۰۰	۴۰۶
-۰/۲۱۵	جامعه‌پذیری قومی	۰/۰۰۰	۴۰۶
۰/۱۶۳	مصرف رسانه‌ای	۰/۰۰۱	۴۰۶
۰/۲۱۴	سرمایه فرهنگی	۰/۰۰۰	۴۰۶

بین وضعیت تأهل<sup>۱</sup> و مدارای اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتیجه مقایسه میانگین دو گروه مستقل متأهل‌ها و مجردها نشان داد مدارای اجتماعی مجردها بیش‌تر از متأهل‌ها به‌دست‌آمد (جدول ۵).

جدول ۵. آزمون تی رابطه بین وضع تأهل و مدارای اجتماعی.

مقدار p	مقدار تی	درجه آزادی	میانگین	تعداد	مدارای اجتماعی
					وضع تأهل
۰/۰۰۱	۱۰/۹۴	۳۹۸	۱۰۸/۵۴	۲۰۹	مجرد
			۱۰۴/۲۷	۱۹۱	متأهل

جدول ۶. رابطه بین سطح تحصیلات و سطح درآمد با مدارای اجتماعی.

ضریب هم‌بستگی اسپیرمن	مدارای اجتماعی	مقدار p	حجم نمونه
۰/۲۶۱	مدارای اجتماعی	۰/۰۰۰	۴۰۶
۰/۲۳۱	میزان درآمد	۰/۰۰۰	۴۰۶

۱. به‌علت کم بودن حجم نمونه (مطلقه یک نفر و بدون همسر به‌دلیل فوت، پنج نفر)، متغیر وضعیت تأهل به دو مقوله مجرد و متأهل محدود شد.

بین میزان تحصیلات و مدارای اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد؛ یعنی داشتن تحصیلات بیش تر، با مدارای اجتماعی بیش تر همراه است. با در نظر گرفتن میزان درآمد به عنوان تعیین کننده ترین عامل فقر و محرومیت افراد، چه به صورت مطلق و چه نسبی، به آزمون فرضیه پرداخته شد. به منظور جلوگیری از بروز خطا در میزان درآمد افراد، میزان هزینه های ماهیانه خانواده شرکت کنندگان آزموده شد. بین سطح درآمد و مدارای اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد. یعنی درآمد بیش تر و وضع اقتصادی مناسب تر، با مدارای اجتماعی بیش تر همراه است (جدول ۶).

## بحث

از سویی انسان موجودی است بالطبع اجتماعی و زندگی در کنار دیگر انسان ها از نیازهای ذاتی اوست و از سوی دیگر، وجود تفاوت ها و اختلافات زبانی، قومی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی همیشه تهدید کننده این نیاز اساسی به شمار می رود. در طول تاریخ، انسان ها به صورت های متفاوت با این تفاوت ها برخورد کرده اند. وجود انواع جنگ های مذهبی و قومی گویای این واقعیت تلخ است که در صورت عدم تحمل و پذیرش یکدیگر، انسان ها همیشه در معرض جنگ و ستیز هستند و تنها راه اجتناب از این وضعیت، گسترش دامنه مدارای اجتماعی بین جوامع مختلف است. مدارا و تساهل و تسامح را می توان با مؤلفه هایی همچون وجود تنوع و اختلاف، ناخشنودی و نارضایتی، وجود آگاهی و قصد، احترام، توافق، وجود قدرت و توانایی مداخله و درنهایت، کنترل و مهار خویش در مداخله و مقاومت ملازم همراه دانست.

با مطالعه ادبیات نظری مربوط به این مفهوم درمی یابیم که این مفهوم، گستره وسیعی از زمینه های مختلف نظیر مدارای دینی، قومی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، جنسی، قومی، ملیتی، نژادی و حتی مدارا در برابر جرم و مجرمان را دربرمی گیرد و از متغیرهای متعددی همچون متغیرهای زمینه ای و جامعه شناختی اثر می پذیرد.

یکی از نتایج بااهمیت تحقیق حاضر، به وجود ارتباط منفی و معنی‌دار میان قوم‌مداری و مدارای اجتماعی مربوط می‌شود. به‌واقع، افرادی که تفسیرها و تحلیل‌هایشان را بر مبنای باورهای قومی خود تحلیل می‌کنند، طبیعتاً مدارای کم‌تری با عقاید و ارزش‌های مخالف خواهند داشت. این نتیجه دیدگاه براون (۱۹۹۵) را تأیید می‌کند؛ چراکه او معتقد است عقاید قالبی و تعصب و نژادگرایی به مدارا نکردن منجر می‌شود و درحقیقت، در جامعه مطالعه شده نیز وجود تعصبات قومی و باورهای کلیشه‌ای دربارهٔ بسیاری از مفاهیم اجتماعی و محوریت قرار دادن قوم خود در تحلیل مسائل به این نتیجه منجر شده است.

جریان یادگیری انسان‌ها و فرایند جامعه‌پذیری افراد به‌ویژه جامعه‌پذیری قومی نیز با مدارای اجتماعی ارتباطی منفی و معنی‌دار داشته است. درواقع، هرچه افراد از کودکی با جامعه‌پذیری خاصی که قومیت محور اساسی آن بوده، رشد یابند، بدیهی است که با جهان‌بینی خاص‌تری روبه‌رو می‌شوند. این نتیجه دیدگاه آلپورت (۱۹۸۵) را بازتولید کرده است.

بین پژوهشگران و نظریه‌پردازان عرصهٔ مدارای اجتماعی، کسانی مثل وگت (۲۰۰۲) و مارکوس و سولیوان (۱۹۸۱) بر اهمیت نقش آموزش و تحصیلات و برخورداری از کالاهای فرهنگی در افزایش میزان مدارای افراد در جامعه تأکید کرده‌اند. نتایج مطالعه حاضر نیز به درستی و تأیید این مدعا اشاره دارد. نتایج این تحقیق گویای آن است که هرچه افراد تحصیلات یا میزان سرمایه فرهنگی بیش‌تری در اختیار داشته باشند، میزان مدارای اجتماعی آن‌ها در زمینه‌های مختلف بیش‌تر بوده است. شباهت این یافته با مقاله جهانگیری و افراسیابی (۱۳۹۰) و شارع‌پور و عسکری (۱۳۸۸) مبنی بر ارتباط معنی‌دار و مثبت میان تحصیلات افراد و مدارا، گویای نقش انکارناپذیر امر آموزش و تحصیلات در افزایش مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز بین افراد است.

درنهایت این‌که نمی‌توان از نقش و تأثیر رسانه در جهان امروز به‌سادگی گذشت. امروزه، وجود رسانه‌های متنوع با محتوای آموزشی و فرهنگی بسیار متفاوت، بیش‌ازپیش به مسئله تفاوت در سلیقه‌ها و عقیده‌ها و به‌طورکلی، فرهنگ‌ها اشاره دارد و با آشناسازی

مردم با فرهنگ‌ها و عقاید متفاوت زمینه را برای تحمل تفاوت‌ها فراهم می‌کند. در جامعه مطالعه شده این تحقیق نیز استفاده بیش‌تر انواع رسانه با افزایش مدارای اجتماعی همراه بوده است. این مسئله کاملاً با دیدگاه موتز (۲۰۰۲) منطبق است؛ چراکه او بر این نظر است که شناخت و کسب اطلاع افراد از فرهنگ‌ها و عناصر ارزشی دیگران و وجود ارتباطات بین فرهنگی به افزایش مدارای اجتماعی منجر می‌شود. این نتیجه همچنین با نتایج تحقیق جهانگیری و افراسیابی (۱۳۹۰) منطبق است و در آنجا نیز رابطه مثبت و معنی‌داری بین مصرف رسانه و میزان مدارای اجتماعی در فضای خانواده وجود داشته است.

متأسفانه، به‌رغم اهمیت بسیار زیاد این مفهوم، چندان که شایسته و بایسته است در ایران به این موضوع توجه نشده است؛ به‌طوری‌که فضای مفهومی این واژه چندان مشخص نیست و عوامل مؤثر بر آن و نیز مکانیسم اثرگذاری آن عوامل کاملاً مشخص نشده‌اند. این مهم با توجه به اوضاع خاص تنوعات تاریخی و نیز روند روبه‌توسعه ایران، جایگاه والاتری را به خود معطوف می‌کند.

- بشیریه، ح. (۱۳۷۹)، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: پویا.
- جهانگیری، ج. و افراسیابی، ح. (۱۳۹۰)، مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، دانشگاه اصفهان (۳): ۱۷۵ تا ۱۵۳.
- سادا ژاندرون (۱۳۷۸)، *تساهل در تاریخ اندیشه غرب* (ترجمه عباس باقری)، مجموعه مقالات، تهران: نی.
- شارع‌پور، م. و همکاران (۱۳۸۸)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبائی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم (۱): ۹۴ تا ۶۸.
- فتحعلی، م. (۱۳۷۸)، *تساهل و تسامح اخلاقی، دینی، سیاسی، قم: مؤسسه فرهنگی طه.*
- مرکز آمار ایران: [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- والزر، م. (۱۳۸۳)، در باب مدارا (ترجمه صالح نجفی)، تهران: شیرازه.
- هید، د. (۱۳۸۳)، *تساهل* (ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Almond, G.A & Verba, S (1963) *the Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in five Nations*, Princeton: Princeton University press.
- Brown, R. (1995). *Prejudice: Its social psychology*. Cambridge, MA: Blackwell.
- Christie, Daniel J & Dawes, Andrew (2001) *Tolerance and Solidarity, Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology*, 7 (2), 131-142.
- Conyers, A.J. (2001). *The Long Truce: How Toleration Made the World Safer for Power and Profit*. Dallas TX: Spence Publication.
- Delisle, Lee (2004) *Leisure and Tolerance An Historical Perspective*, *World Leisure: No. 21*.
- Duch, R and Gibson, J (1993). *Political Tolerance in the USSR: the Distribution and Etiology of Mass Opinion*, *Comparative Political Science*, Vol.42, PP:286-329: London: Sage.
- Fiala, Andrew (2005) *Tolerance and the Ethical Life*, London: Continuum.
- Gibson, James L. (2006) 'Enigmas of Intolerance: Fifty Years after Stouffer's Communism, Conformity, and Civil Liberties', *Perspectives on Politics* 4 (1):21-34: Cambridge University Press.
- Golebiowska, Ewa (2009) *Ethnic and Religious Tolerance in Poland, East European Politics and Societies* 2009 23: 371, Volume 23 Number3: - Quintelier, Ellen (2008) *Does European Citizenship Increase Tolerance in Young People?*, *European Union Politics*,

- Volume 9 (3): 339-362: London: Sage.
- Hodges Persell, Caroline & Green, Adam & Gurevich, Liena (2001) Civil Society, Economic Distress, and Social Tolerance, *Sociological Forum*, Vol. 16, No. 2.
  - Marquart-Pyatt, Sandra & Paxton (2007) in Principle and in Practice: Learning Political Tolerance in Eastern and western Europe, *Political Behavior*, vol 29, 88-113.
  - Mona C. S. Schatz (2004) Social Tolerance and Social Civility: Key Elements for Transitioning Democratic Countries, *Journal of Comparative Social Welfare*: 23-31.
  - Moreno-Riano, Gerson. (2003). The roots of tolerance. In: *Revue of Politics* Vol.65: 1.
  - Mummendey, Amelie & Wenzel, Michael (1999) Social Discrimination and Tolerance in Intergroup Relations: Reactions to Intergroup Difference, *Personality and Social Psychology Review*, Vol. 3, No. 2, 158-174. London: Sage.
  - Mutz, Diana (2002) 'Cross-Cutting Social Networks: Testing Democratic Theory in Practice', *American Political Science Review* 96 (1): 111-26.
  - Quintelier, Ellen (2008) Does European Citizenship Increase Tolerance in Young People?, *European Union Politics*, Volume 9 (3): 339-362: London: Sage.
  - Robinson, J., Witenberg, R., & Sanson, A. (2001). The socialization of tolerance. In M. Augoustinos & K. J. Reynolds (Eds.), *Understanding prejudice, racism and social conflict* (pp. 73-88). London: Sage.
  - Sullivan, J. L., & Transue, J. E. (1999). The psychological underpinnings of democracy: A selective review of research on political tolerance, interpersonal trust, and social capital. *Annual Review of Psychology*, 50, 625-650.
  - Thompson, Denise. (2002) Power and distaste: Tolerance and its limitations. Retrieved from [www.s~rc.unsw.edu.au/seminars/tolerance.pdf](http://www.s~rc.unsw.edu.au/seminars/tolerance.pdf).
  - Van der Noll, Jolanda & Poppe, Edwin & Verkuyten, Maykel (2010) Political Tolerance and Prejudice: Differential Reactions Toward Muslims in the Netherlands, *Basic and Applied Social Psychology* 32: 46-56: Groningen University press.
  - Wilkinson, R. G. (1996). *Unhealthy societies: The affliction of inequality*. London and New York: Routledge.
  - Guerin, perty (2004) Tolerance, Protest, and Democratic Transition, *European Journal of Political Research*, Vol43, 371-395: London John Wiley.
  - Vogt, Paul (2002) Social Tolerance and Education, *Review of education, Pedagogy, and Cultural Studies*: London: Sage.